



کوچ‌نشین اهل مراکش، شترهایش را به جنوب این کشور می‌برد، عکس از نشنال جئوگرافی

رونمایی مهندسان ژاپنی از روبات هشت متری TRX03 که شبیه دایناسور مشهور «تی‌رکس» است، عکس از خبرگزاری رویترز



ادامه نبرد عراقی‌ها با داعش در جنوب موصل، عکس از خبرگزاری رویترز

دنیانه روایت تصویر

- در محضر بزرگان

حسد از سحر بدتر است!

آیت... فاطمی نیا استاد اخلاق در توصیه‌ای اخلاقی درباره ربط دادن اتفاقات زندگی به سحر و جادو گفته‌اند: بعضی تا کوچک‌ترین کاری می‌شود، می‌گویند سحر و جادو شدیم! خرابی از خودشان است، نمی‌خواهند قبول کنند و نسبتش می‌دهند به سحر! اگر در زندگی مشکل داشتی، اول ذهنت به سحر نرود، اول ذهنت به خودت برو! زن یا مردی که در خانه اخلاقی بد باشد، اثرش از سحر بدتر است! حسد از سحر بدتر است! سخن چینی از سحر بدتر است! به جای نسبت دادن هر چیزی به سحر، انسان خودش را اصلاح کند، مشکلاتش بر طرف می‌شود. گذشت و تحمل یکدیگر که به بسیاری از موارد مشکلات را حل می‌کند. مثلاً خانمی که به شوهرش حرف تلخی می‌زند، اگر شوهر تحمل کند و گذشت کند، تمام می‌شود و گر نه ادامه پیدا می‌کند و...

برگرفته از پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه

- راویان اربعین

اولین موکب

در پیش‌فروش بلیت قطار موفق به تهیه بلیت نشده بودیم. از طرفی هم تعدادمان بیست نفر بود؛ نه می‌توانستیم با اتوبوس برویم، نه به تعداد لازم ماشین شخصی داشتیم. خلاصه آن‌که با دو گروه دیگر یک اتوبوس گرفتیم و راهی مرز شدیم تا به پابوسی ارباب مشرف شویم. کمی که از شهر دور شدیم چون ناهار هم نخورده بودم و حسابی گرسنه بودم جعبه خرما را درآوردم که دلی از عزا در بیاورم. دلم نیامد تنها بخورم. رفتم از جلوی اتوبوس به همسفران تعارف کردم. هنوز به آخر اتوبوس نرسیده بودم، یکی از دوستان گفت هادی جان بی‌رحمت بیا همین آجیل را هم توزیع کن. چند دقیقه بعد یک جعبه بیسکویت پخش کردم... سفره کرم ارباب پهن شده بود. خلاصه آن‌که هر چند از جعبه خرما یک عدد بیشتر به خودم نرسید ولی در عوض تا آخر شب آجیل و میوه و... می‌خوردیم. معامله پرسودی بود!

خاطرات خود را با هشتگ #راوی_اربعین_باشیم برای ما بفرستید تا در صفحه «همشهری سلام» چاپ شود.
خاطرات شما با همین هشتگ در فضای مجازی منتشر می‌شود.
@zendegiisalam

photo@khorasannews.com

- پند نیکان



- بریده‌ها

خاطره منجمدشده را رها کن

بی دلیل نباید خاطره‌ای را که منجمد شده وادار به ذوب شدن کرده در آن صورت این تکه‌های یخ به آب کثیف و لژی تبدیل می‌شود و می‌چکد. هیچ چیز را نباید دوباره زنده کرد؛ از ذهن نرم و نازک شده آدم بالغ نباید خواست که شدت و حدت احساسات کودکانه را دوباره احیا کند و به تجربه در بیاورد...!

(پیلارد در ساعت نه و نیم اثر هنریش بل

- حکایت

شاعری سواد

حیدر کولوج شخصی عامی بود ولی شعر بسیار خوب می‌سرود و در زمان شاه طهماسب صفوی زندگی می‌کرد. از او پرسیدند: او بیسودی، چگونه شعر می‌گویی؟ گفت: چنان طوطی صفت، حیران آن آینه‌رویم / که می‌گویم سخن اما نمی‌دانم چه می‌گویم!

برگرفته از کتاب «لطیفه‌ها» گردآوری علی باقرزاده

- یادش بخیر



- اندک صبر

قدم بزن

به خاطر پاییز هم که شده

کمی با من...

قدم بزن!

کوروش نایی

فراخوان ارسال خاطرات و تصاویر

پیاده‌روی اربعین

سفر یعنی خاطره؛ آن هم سفری با پای پیاده و در کنار صدها دل عاشق که به دیدار ارباب می‌روند.

امسال با نزدیک شدن به زمان پیاده‌روی معنوی اربعین، قصد داریم تا همین جا در صفحه «همشهری سلام» و در ستون «راویان اربعین» خاطرات جالب شما رو از این سفر چاپ کنیم. پس لطفاً از امروز، آگه از پیاده‌روی سال‌های گذشته یا حتی امسال، خاطره‌ای دارید، با ذکر اسم و فامیل و سالی که به پیاده‌روی اربعین مشرف شدید، برای ما ارسال کنید. همچنین خیلی خوب میشه که این خاطرات رو با هشتگ #راوی_اربعین _باشیم در فضای مجازی منتشر کنید.

خاطرات و تصاویر خودتون رو به اکانت @zendegiisalam در نرم‌افزار تلگرام و ایمیل photo@khorasannews.com برای ما ارسال کنید. منتظر خاطرات شما هستیم. راستی، سری هم به کانال «راویان اربعین» به آدرس @RavianArbaeen بزنید و خاطرات دیگر زائران را هم بخوانید.



نگارخانه

- دور دنیا

تبدیل خانه به موزه!



ادیتی سنترال/ «ولادیمیر جایکا» مرد بازنشسته اوکراینی، ۱۵ سال زمان صرف کرده است تا راه پله‌های خانه بزرگش را درست به سبک قرن ۱۷ و ۱۸ درآورد!

او می‌گوید همیشه از معماری سال‌های ۱۶۰۰ و ۱۷۰۰ لذت می‌برده و در تمام این سال‌ها، همه وقت خودش را صرف مطالعه روی معماری این عصر و تهیه مواد و وسایل مورد نیاز برای تزئین خانه‌اش کرده است. با ورود به خانه او، احساس می‌کنید که وارد یک موزه شده‌اید!

تهیه زیورآلات با دندان انسان!

ادیتی سنترال/ از زمانی که استفاده از عاج فیل در هلند غیرقانونی اعلام شد، یکی از هنرمندان هلندی، به نام «لوسی ماجروس» تصمیم گرفت به جای عاج فیل، از دندان انسان برای زیورآلاتش استفاده کند! این هنرمند حالا با استفاده از دندان انسان، زیورآلات بسیار زیبایی می‌سازد که طرفداران بسیاری دارد. او با استفاده از یک آگهی، دندان‌های کشیده شده مردم را از آن‌ها می‌خرد و در کارهای هنری‌اش استفاده می‌کند!

سفر به تمام کشور های دنیا!

بورد پاتدا/ «کاساندرای دپکول» دختر ۲۷ ساله آمریکایی تاکنون ۱۸۱ کشور دنیا را دیده است و قصد دارد در ادامه سفرهایش هر ۱۹۶ کشور دنیا را ببیند! او اگر بتواند سفر ماجراجویانه‌اش را به پایان برساند، رکورد سریع‌ترین سفر دور دنیا و جوان‌ترین فردی را که در تاریخ دنیا از همه کشورها دیدن کرده است در کتاب رکورد‌های گینس می‌کشند! کاساندرای سفرهایش را با عنوان سفر صلح انجام می‌دهد.

گوش بر روی دست!

چین دلی/ مردی چینی به نام «ژی» که در یک تصادف، گوش راستش کاملاً از بین رفته بود، حالا با یک عمل جراحی بی‌نظیر، دوباره دارای گوش شده است، منتهی این بار روی دستش! این عمل جراحی که شامل سه مرحله است، به تازگی وارد مرحله سوم خود شده است. در مرحله اول، پوست سمت راست سر بیمار، ترمیم شد و در مرحله دوم، با جداسازی تکه‌ای از غضروف دنده او، روی دستش یک گوش رویاندند! مرحله سوم این عمل عجیب، در ۴-۵ ماه آینده، با نصب گوش جدید در محل قبلی، پایان می‌یابد!



سید ابراهیم پیروز، معلم کرمانشاهی که در یکی از روستاهای شهر «سنقر»، تدریس می‌کند، برای موضوع انداش «پاییز»، کلاسش را این گونه تزئین کرده است!

Like Comment

« این قدر چوب سنگدیم رو خوردم درخت می‌بینم گشتم ام می‌شما! همون قدر که پیدا کردن پول تو لباس های قدیمی لذت بخشه، دو برابر اون لذت، راحت شدن از تنگ شدن لباس ها و چاق شدنته!

« کسر خوابم از باقیمونده عرمم بیشرته!

« یکی از ویژگی‌های عجیب دماغ بزرگ اینه که کسایی که دوست دارن فکر می‌کنن به صورت میادا!

« شما هم اینجوری بودین که پاک‌کن هاتون تموم نمی‌شد، گم می‌شد؟ این همه پاک‌کن کجان الان؟

«شاهمن‌رور دار بر برین دخت تو آقیا نوس آ رام، سبج بیامی می‌بینی کود بر دراز بزرگ‌ترین سازه آبی منطقه شروع شده، یه جت اسکی هم با بلندگو، سیزی قرمه می‌فروشا!

« واقعا چه جوری دلتون میاد نارنگی رو با چاقو پوست بکنید؟ بابا اون طفلی نه چون داره نه طاقت این همه خشونت رو!

آی،فیلم‌ه فیلم‌هایی‌شون می‌ده که باز یگر ما شمش یادشون نیست همین فیلم‌رو! «پشت‌دندم چند روز بوده شدت می‌خارید. دیگه احتمال هرگونه بیماری پوستی و شایعه رو داده بودم تا این که دقایقی پیش مارک لباسم رو و کندم خوب شدا! « ما ز یار ان چشم باری داشتیم ولی خب مٹ همیشه ما خوش خیال بودیم نسبت به آنچه می‌داشتیم!

Like Comment

- افسانه‌های نوین

پای نازک، شاخ ضخیم

در زمان‌های قدیم، گوزنی شاد و شنگول بر لب جوی رفت تا آب بنوشد. آن زمان گوزن‌ها و آهو‌ها و خرس‌ها و شغال‌ها و کلا همه حیوانات، همیشه شاد و شنگول بودند. چون هم نسل‌شان منقرض نشده بود و هم آب و علف برای خوردن و جنگلی برای سرپناه داشتند. مثل الان نبود که حیوانات برای شادی و شنگولی مجبور شوند علف‌های سستی را با مواد صنعتی مخلوط کنند و هی بروند لب رودخانه‌ای که خشک شده و از باتلاقش آب بخورند! خلاصه، گوزن که خم شد تا آب بخورد، چشمش به پاهایش افتاد. انگار تا حالا پاهایش را ندیده بود. با خودش گفت: «من به این زیبایی، با این شاخ‌های پراپت، چرا باید پاهایی به این نازکی داشته باشم؟» چون در آن زمان پای چاق مد بوده، نه مدل سیخ کبریتی.

ناگهان از پشت صدایی شنید، تا برگشت دید یک شکارچی کمین کرده و می‌خواهد کلکش را بکند. بلافاصله خیز برداشت و شروع به فرار کرد. در چشم به‌هم‌زدنی غیب شد و با خودش گفت: «چه خوب که پاهای به این نازکی دارم که می‌توانند سریع بدوند.» در همین فکر بود که ناگهان شاخش به شاخه‌های درخت گیر کرد و آه از نهداش برخاست که: «کاش این شاخ‌های کت و کلفت را ندانستم و مثل گاو دو تا جمع و جورش را داشتم» ولی افسوس که پشیمانی فایده‌ای نداشت، چون شکارچی به سمتش می‌آمد.

در حالی که سعی می‌کرد لحظات آخر عمرش را به چیزهای خوب فکر کند و در حال خودش چشم‌هایش را بسته بود و سرش را تکان تکان می‌داد، ناگهان شاخش از لای شاخه‌ها دررفت و در یک حرکت غودایی به شکارچی خورد و توانست فرار کند. در همین لحظه بود که به این نتیجه رسید که هم‌پای نازک و هم شاخ کلفت به درد می‌خورد که ناگهان پای ظریفش داخل تله‌ای رفت و باز گیر افتاد. گلا گویا قسمتش بود آن شب کباب شود بیوا!

علکساندر کاربراتور

- این کیه؟

قول می‌دم بعدی آسون باشه!

سلام. می‌گم خوب شد گفتم مسابقه چهارشنبه سخت بوده‌ها! طبق آمار غیر رسمی که توسط منابع آگاه به دست ما رسیده، ۱۶۵ نفر درست جواب دادن، حتی بیشتر از مسابقه قبلی که مثلاً آسون تر بود! جواب رو که می‌بینین، «محمد کاسبی» بازیگر پیشکسوت تلویزیون هشتش اما مسابقه این هفته، یه نکته جالب داشت و اون هم اشتباه‌ها بود. «خسرو معتمد»، «رسول نجفیان» و مرحوم «منصور پورحیدری» افرادی بودن که شباهت شون به محمد کاسبی، باعث شد بعضی از مخاطبان اشتباه کنن. به هر حال سعی می‌کنیم این هفته، برای این که یه ذره

جبران بشه، مسابقه آسون‌تری

بذاریم متأسفانه برنده مسابقه

این هفته، تا این لحظه

پاسخگوی تلفنشون نبودن.

بنابراین اسمشون رو همون

چهارشنبه، همراه با عکس

و کاریکاتورشون و همچنین

مسابقه بعدی «این کیه؟»

بینین. ضمناً الان، بعد از

برگزاری ۱۰ شماره مسابقه

«این کیه؟» باید تشکر کنیم

از همه برو بچه‌های روابط

عمومی مؤسسه خراسان که

برای مسابقه و قرعه‌کشی

خیلی کمک‌مون می‌کنن.

پس تا چهارشنبه خدا نگهدار

